



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۸ فروردین ۱۳۹۸

موضوع جزئی: مسأله ۱۴- تکمله: راههای دیگر جلوگیری از بارداری- الف) راههایی که موجب عقم نمی‌شوند

دسته دوم: بعد از انعقاد نطفه (راه دوم)- بررسی حکم فقهی راه دوم از جهات مختلف

جلسه: ۹۸

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللین علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

جهت پنجم از جهاتی که می‌توان مسأله استفاده از روش IUD را از نظر فقهی بررسی کرد، مسأله عنوان اضرار به نفس است. در جلسه قبل بحث کیروی اضرار به نفس را اجمالاً متعرض شدیم؛ محصل بحث این شد که اضرار به نفس به مقتضای ادله مطلقاً حرام نیست و نهایت این است که بین ضرر معتدبه و غیر ضرر معتدبه فرق است. قدر متیقن از آن، ضرری است که منجر به هلاکت شود یا یک ضرر غیر قابل جبرانی که در حکم هلاکت باشد ایجاد کند. مثلاً کسی کاری کند که فلج شود و از انجام کارهای اولیه زندگی خودش باز بماند. علی‌ای حال برخلاف کسانی که چه بسا معتقد به حرمت اضرار به نفس مطلقاً هستند، ما معتقدیم که اضرار به نفس مطلقاً حرام نیست.

ب) بحث صغروی اضرار به نفس

گفتیم علاوه بر این، یک بحث صغروی باید مطرح کنیم که آیا اساساً استفاده از این روش مستلزم ضرر هست یا نه. عمده ضررها و مشکلاتی که در استفاده از این روش توسط کارشناسان مطرح می‌شود، چند مشکل است که در اثر استفاده از این روش پیش می‌آید. من خیلی فهرست‌وار اینها را ذکر می‌کنم و این بحث را جمع‌بندی خواهیم کرد.

۱. یکی از شایع‌ترین مشکلاتی که در اثر استفاده از این روش برای بانوان ایجاد می‌شود، خونریزی است. طبیعتاً قرار دادن یک جسم خارجی در رحم، موجب مشکلاتی از این قبیل می‌شود. این خونریزی خودش فی‌نفسه دردسر است و باعث فقر و کمبود آهن می‌شود و طبیعتاً شاید این برای بدن خیلی مناسب نباشد. البته دو نوع این دستگاه از این جهت تا حدودی با هم تفاوت دارند؛ یعنی مثلاً قسم هورمونی آن شاید خونریزی که ایجاد می‌کند نسبت به نوع مسی آن کمتر است. به هر حال این خونریزی قطع می‌شود، لذا این مشکل و ضرر خاصی نیست و مسأله فقر آهن با قرص و دارو قابل رفع است و اگر به نحوی بود که ادامه پیدا کند و قطع نشد، طبیعتاً دکتر و طبیب راه چاره را پیدا می‌کند. لذا ما نمی‌توانیم این را به عنوان یک ضرر قابل توجه قلمداد کنیم.

۲. دومین مشکلی که در اثر استفاده از این دستگاه ایجاد می‌شود، درد است که این دردها تا حدودی طبیعی است و به گفته کارشناسان این دردها مقطعی است و از بین می‌رود.

۳. سومین عارضه‌ای که ممکن است در اثر استفاده از این روش پیش آید، عفونت‌های لگنی است که قهراً می‌تواند منشأ یک مشکلاتی شود. البته این به حسب افراد متفاوت است؛ در برخی اساساً ممکن است این عارضه پیش نیاید. این مواردی

که ما ذکر می‌کنیم اینطور نیست که حتماً برای هر کسی که از این دستگاه استفاده می‌کند پیش آید؛ اینها به حسب آمارهایی که داده‌اند، در یک درصدی از زنها این عوارض را دارد که این درصدها یک حداقل و یک حداکثر دارد. مثلاً از کسی که این دستگاه را استفاده میکنند. بین ده تا بیست درصد از آنان دچار خونریزی می‌شوند؛ یا مثلاً بین پانزده تا چهل درصد استفاده‌کنندگان از این دستگاه، گرفتار درد شوند. در مورد عفونت‌های لگنی نیز همین طور است و می‌گویند بین دو تا هشت برابر، استعداد ایجاد عفونت‌های لگنی را در استفاده‌کنندگان از این دستگاه بیشتر می‌کند. اینطور نیست که حتماً چنین عوارضی برای همه پیش بیاورد.

به هر حال این عفونتی که ممکن است در ناحیه لگن ایجاد شود و از نظر پزشکی یک اصطلاح خاصی دارد، راه‌هایی برای درمان آن پیش‌بینی کرده‌اند و اگر هم نهایتاً قابل حل نباشد، این دستگاه را خارج می‌کنند یا تعویض می‌کنند؛ چون خارج کردن این دستگاه از رحم خیلی مؤونه ندارد. یعنی حتی ممکن است در برخی موارد نیاز به مراجعه به طبیب هم نباشد. لذا این چیزی که اولاً حتمی نیست و ثانیاً راه چاره دارویی دارد و ثالثاً در نهایت امر قابل خارج کردن است، این را نمی‌توانیم بگوییم یک ضرر است.

۴. یکی دیگر از عوارضی که ممکن است در اینجا پیش آید، پارگی رحم است که این هم در افراد متفاوت است. یک جهت مهم این است که شخصی که این دستگاه را نصب می‌کند، مهارت داشته باشد؛ یعنی تا حد زیادی این مسأله قابل پیشگیری است که این دستگاه منجر به پارگی رحم نشود. مهارت طبیب خیلی مهم است؛ اینکه چگونه جاگذاری شود. به هر حال بر فرض هم که این چنین باشد، باز در اسرع وقت این دستگاه قابل خارج کردن است و مشکل جدی ایجاد نمی‌کند.

۵. از جمله مشکلاتی که ذکر می‌کنند حاملگی خارج از رحم است که این به عنوان یکی از عوارض احتمالی نصب این دستگاه ذکر شده است.

۶. خروج خود به خود این دستگاه؛ یکی از مشکلاتی که ذکر می‌کنند این است که این ممکن است خود به خود خارج شود؛ چون اتصال به بدن پیدا نمی‌کند و حتی آن نخ‌کی که به این دستگاه متصل است، قابل دسترسی است و می‌تواند در مواردی خود اشخاص این دستگاه را خارج کنند.

۷. ممکن است سرطان‌زا باشد. اینها نوعاً به صورت حتمی محقق نمی‌شود؛ بلکه در برخی از افراد ممکن است چنین عوارضی داشته باشد. مسأله ایجاد سرطان به وسیله این دستگاه صرفاً یک احتمال است و این چیزی است که همین الان در بسیاری از امور زندگی با آن درگیر هستیم؛ از هوایی که تنفس می‌کنیم تا وسایل و ظروفی که برای خوردن و آشامیدن از آنها استفاده می‌کنیم و حتی لباس‌هایی که می‌پوشیم. برخی معتقدند همین آبی که در بطری‌های پلاستیکی استفاده می‌شود، چنین عوارضی دارد. یا مثلاً تلفن‌های همراه که در دست همه مردم است.

سؤال:

استاد: اینها اولاً ضررهایی است که احتمالی است و بعد تدریجی است و در طی ده - بیست - سی سال این ضررها را ایجاد می‌کند. اگر شما بخواهید همه وسایلی که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد - که اغلب آنها به نوعی با این خطر همراه‌اند - از خودتان دور کنید، باید در بیابان زندگی کنید و ارتباط خود را با دنیای پیرامون قطع کنید.

به هر حال عرض ما این است که در مورد استفاده از این روش قطعاً ضرر معتدبه وجود ندارد. ضرر غیر معتدبه هم دو حالت دارد؛ بعضی از ضررها قابل جبران اند و بعضی ضررها قابل جبران نیستند. منظور از جبران ضرر یعنی اینکه خود این ضرر را از بین ببرند یا آن هدفی که استفاده کننده از این دستگاه تعقیب می‌کند با این هزینه‌ها کسر و انکسار شود. به عبارت دیگر باید هزینه و فایده کرد؛ هزینه‌ها و فواید را دید و در مقایسه با هم ببینیم کدام یک اهم است. پس ضرر معتدبه قطعاً در استفاده از این روش وجود ندارد. ضرر غیر معتدبه هم چنانچه گفته شد، قابل جبران است و اینها ضررهای منجبر است. مثلاً اگر فقر آهن پیش آید، این با قرص آهن قابل جبران است. اگر با دارو و امثال اینها برطرف نشود، نهایت این است که از فایده‌اش بهره مند می‌شود. آنگاه اگر این را هم کنار بگذاریم و ضرر بیش از فایده باشد، نهایت این است که این دستگاه قابل خارج کردن است. این دلیل بر این است که اصل استفاده بدین جهت حرام نیست.

پس ما می‌خواهیم ببینیم آیا استعمال این روش جایز است یا نه. اگر ما اضرار به نفس را حرام بدانیم ولو مطلقاً، اگر این ضرر منجبر و احتمالی باشد دلیل نمی‌شود که استفاده از این روش حرام شود. اینکه اگر بعداً ضرر پیش آمد، راه جبران دارد و اینطور نیست که ضرر دائمی معتدبه به دنبال آن باشد. وقتی هم که خارج می‌کنند، بعد از یک مدت کوتاهی تمام این عوارض از بین می‌رود و به حالت اولیه برمی‌گردد. مثلاً همین الان شما آزمایش خون بدهید ببینید چقدر فقر آهن داریم. اینها ضررهای معتدبه نیست و گفتیم که اساساً اضرار به نفس اگر ضرر غیر معتدبه باشد اشکالی ندارد. بر فرض هم که قائل به حرمت مطلق اضرار به نفس باشیم، این ضرر قابل جبران است.

نتیجه کلی بحث در روش IUD

لذا مجموعاً استفاده از روش IUD به جهت عنوان ضرر به نفس حرام نیست. پس تنها عنوانی که از رهگذر آن می‌توانیم حکم به حرمت استفاده از این روش کنیم، مسأله از بین بردن نطفه است و یحتمل از جهت صدق عنوان نظر و لمس چون آن چاره دارد؛ ممکن است کسی کاری کند که بدون اینکه لمس محرم اتفاق بیفتد و بدون اینکه کشف عورت شود و نظر محرم صورت گیرد، این کار انجام شود؛ قهراً از این جهت حرام نیست. اما از جهت از بین بردن انعقاد نطفه حکم حرمت بر آن بار می‌شود.

سؤال:

استاد: گفتیم که این از روش‌هایی است که نطفه منعقد شده را از بین می‌برد؛ چون مانع لانه‌گزینی نطفه می‌شود و جلوی اتصال نطفه به جداره رحم (آندومتر) را می‌گیرد و نطفه‌ای که چسبندگی به جداره رحم پیدا نکند، جفت آن تشکیل نمی‌شود و امکان ارتزاق آن از بدن مادر بوسیله جفت از بین می‌رود و لذا خود به خود معدوم می‌شود.

جمع بندی

ما عرض کردیم راه‌های پیشگیری از بارداری دو دسته است؛ یک دسته موجب عقم می‌شود و عقم هم یا موقت یا دائمی است؛ یک دسته هم موجب عقم نمی‌شوند. آنهایی که موجب عقم و ناباروری نمی‌شود دو دسته هستند؛ یک دسته جلوی انعقاد نطفه را می‌گیرد و کارکرد دسته دیگر به بعد از انعقاد نطفه برمی‌گردد. از راه‌هایی که مربوط به قبل از انعقاد نطفه است، شش راه را ذکر کردیم و حکم آنها را بیان کردیم. از راه‌هایی که مربوط به بعد از انعقاد نطفه است، دو راه وجود دارد که این

دو راه را بررسی کردیم. این آخرین راه از راه‌هایی است که در دسته اول جای می‌گیرد؛ یعنی آن دسته از راه‌های پیشگیری از بارداری که موجب عقم نیستند. هیچ کدام از اینها منجر به ناباروری نمی‌شود.

سؤال:

استاد: مثلاً ممکن است پنج شرکت دستگاه IUD را بسازند؛ مثلاً سازنده خودروها مختلف هستند؛ یا مثلاً دارویی که شما می‌خورید را شرکت‌های مختلف تولید می‌کنند. یکی از شرکت‌ها دقت دارد و مواد اولیه‌ای که استفاده می‌کند کیفیت خوبی دارد و لذا تأثیر بهتری دارد. اگر فرضاً شرکتی تقلب کرد و جنس تقلبی داد و این اثر خودش را نداشت، این بحث دیگری است. فرض را بر این می‌گیریم که اینها با بهترین کیفیت تولید شده‌اند که اثر خودشان را می‌گذارند.

علی‌ای حال تا اینجا ما دسته اول از طرق و راه‌های پیشگیری از بارداری و ایجاد مانع در برابر تکون فرزند را که مجموعاً نه راه می‌شود را ذکر کردیم؛ هفت راه مربوط به قبل از انعقاد نطفه است. اینکه می‌گوییم هفت راه از این جهت است که شش راه را بررسی کردیم و یک راه دیگر قرص‌هایی بود که اسپرم مرد را از بین می‌برد که شبیه همان قرص‌هایی است که تخمک زن را از بین می‌برد هرچند این قرص‌ها کمتر استفاده می‌شود. دو راه عمده هم در مورد بعد از انعقاد نطفه است که نطفه را از بین می‌برد. البته راه اول استفاده از قرص‌ها و داروهای دومانظوره است؛ یعنی هم قابلیت از بین بردن تخمک را دارد و هم قابلیت از بین بردن نطفه از طریق ایجاد مانع در برابر لانه‌گزینی.

دسته دوم راه‌ها، آن راه‌هایی است که موجب عقم می‌شود و آن بستن لوله - هم در مردان و هم در زنان - است. اگر لوله مردان بسته شود، به آن وازکتومی می‌گویند؛ اگر لوله زنان بسته شود، به آن توبکتومی می‌گویند. این دو راه از راه‌هایی است که موجب عقم می‌شود. باید بررسی کنیم که این روش‌ها چه حکمی دارند. عنایت داشته باشید که همه اینها را - چه دسته اول و چه دسته دوم - به لحاظ حکم اولی بررسی می‌کنیم اما به لحاظ عنوان ثانوی باید در مرحله بعد بررسی شود. یعنی به لحاظ حکم اولی این روش‌ها به کدام یک از احکام تکلیفیه متصف می‌شوند. این وقتی است که عنوان ثانوی عارض نشود اما اگر عنوان ثانوی عارض شد چطور؟ این را باید در مرحله بعد بررسی کنیم که ان شاء الله بررسی خواهیم کرد.

شرح رساله حقوق امام سجاد (ع)

خلاصه جلسه گذشته

بحث در بزرگترین حق خداوند بر انسان بود، یعنی عبادت و پرستش خداوند. البته اینکه این پرستش چه ویژگی‌ای باید داشته باشد، را بعداً خواهیم گفت. نکاتی در مورد عبادت بیان کردیم که اساساً حقیقت عبادت چیست. عبادت تکوینی که انسان همانند سایر موجودات دارد که عبارت است از اینکه انسان تکویناً تحت اراده و فرمان الهی در نظام علی و معلولی زندگی می‌کند، این خودش یک نوع سرسپردگی و خضوع تکوینی است.

عبادتی که اینجا منظور است، عبادت تشریعی است. عبادتی که با اختیار و اراده انجام می‌دهد. این را هم توضیح دادیم که حقیقت آن عبادتی که انسان به عنوان بزرگترین حق خداوند باید داشته باشد چیست. بعد از این، رسیدیم به چرایی عبادت. چرا انسان باید عبادت کند؟ فلسفه پرستش و عبادت چیست؟

گفتیم باید مقدمه‌ای را توضیح دهیم تا این چرایی و فلسفه پرستش معلوم شود. خلاصه مقدمه این بود که به طور کلی کمال هر موجودی در فعلیت یافتن استعداد آن موجود است؛ ما برای همه موجودات این عالم کمال تصویر می‌کنیم. هر موجودی

که استعدادها و قوه‌های او به فعلیت برسد و در این مسیر باشد، کامل شده یا در مسیر کمال است. بر این اساس به سراغ انسان آمدیم که کمال انسان به چه چیزی تحقق پیدا می‌کند. عرض کردیم بر طبق تعریف فلاسفه بزرگ مانند ابن سینا و ملاصدرا، کمال وجودی انسان به فعلیت یافتن استعدادهای درونی انسان است. اینجا آغاز اختلاف بین صاحب نظران و اندیشمندان است. مادیون که استعدادهای انسانی را به درستی نشناخته‌اند و کشف نکرده‌اند، فعلیت استعدادهای انسانی را در برآورده شدن لذت‌های حسی یا برخورداری عمومی از مواهب طبیعی یا در نقطه مقابل که عده‌ای راه افراط را در پیش گرفته‌اند، در این دیده‌اند که از دنیا و همه تمایلات طبیعی و مادی چشم‌پوشد و صرفاً به ریاضت و روحانیت رو بیاورد.

ادامه مقدمه

هر دو راه غلط است؛ ما ناچاریم از این بحث خیلی مجمل و خلاصه عبور کنیم اما این بحث می‌تواند منشائی برای مطالعه و بررسی شما قرار گیرد. این منظر و زاویه یک منظری است که قابلیت بحث گسترده‌تر در آن هست.

فلاسفه و حکمای یونان باستان، یک مرحله به واقعیت و حقیقت کمال انسانی نزدیک شدند اما آن هم چه بسا این مقصد و هدف را تأمین نمی‌کند. به نظر آنها کمال انسان به رشد عقلانی انسان است. می‌گویند در بُعد حکمت نظری اینکه انسان یک دریافت کلی از مجموع هستی داشته باشد، شناخت و معرفت بیشتر به نظام هستی داشته باشد، این کمال انسانی است. رشد عقلانی از حیث حکمت نظری موجب کمال است. در بُعد حکمت عملی هم معتقد بودند که اگر عقل کسی بر همه غرائز و قوای درونی او سلطه پیدا کند، کمال پیدا کرده است. لذا به نظر آنها مصداق انسان کامل فیلسوف و حکیم است. البته حکیم هم از جهت حکمت نظری و هم از حیث حکمت عملی. کسی که به حدی رشد عقلی کرده که یک دریافت کلی از نظام هستی پیدا کرده است، طبیعتاً هرچه این بیشتر رشد کند، دریافت بهتر و واقعی‌تری از نظام هستی داشته باشد، کامل‌تر است و هر چه سلطه عقل بر غرائز نفسانی و نیروهای باطنی و درونی بیشتر باشد، کامل‌تر است.

این حرف و این سخن البته نادرست نیست اما شاید همه حقیقت نباشد. از موضع اسلام و آموزه‌های دینی و آیات قرآنی و روایات اهل بیت قطعاً انسان هم در بُعد نظری و هم در بُعد عملی استعدادهایی دارد که کمال او در فعلیت یافتن این استعدادها است. وجه جامع کمال نظری و عملی انسان، قرب الی الله است. در بُعد نظری و عملی، هر دو باید استعدادهای انسان فعلیت پیدا کند. این مضمون آیه شریفه «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیه آیاته و یرکبهم الکتاب و الحکمة»^۱ که اساساً بعثت انبیا برای این بود که آیات الهی را برای مردم تلاوت کنند تا آنها را تزکیه کند و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد. این اشاره به همین دو بُعد نظری و عملی انسان دارد.

کسی که از نظر معرفت، از اول زندگی تا آخر زندگی هیچ حرکت و رشدی ندارد، معلوم است که استعداد او خاک خورده است. من یک جمله به شما بگویم تا بالاترین انگیزه برای همه شما شود برای حرکت و تحرک برای مطالعه و دانستن. دانستن ما باید برای خود ما مهم باشد. اینکه روایت داریم دو روز مؤمن یکسان نیست، یعنی کامل نشده است. چرا وقت‌مان را به بیکاری و بطالت می‌گذرانیم؟ چرا مطالعه نمی‌کنیم؟ هر چه دانسته‌های ما بیشتر شود، کمال ما بیشتر شده و استعداد ما از جهت نظری به فعلیت رسیده است. شما حساب کنید ذهن این بشر که اینقدر قابلیت دارد، شما هر چه اطلاعات و

۱. الجمعة: ۲.

دانشتنی‌ها در آن بریزید باز هم ظرفیت این را دارد که بیشتر علم پیدا کند. من نمی‌گویم فقط علوم و اصطلاحات را در آن بزینیم. آنچه مهم است این است که بدانیم. اساساً ما چه کسی هستیم؟ خدا کیست؟ رابطه ما با خدا چگونه است؟ ما در این دنیا چه کاره‌ایم؟ کجا می‌خواهیم برویم؟ آیا معرفت ما به خودمان و به خدا و به هستی، نسبت به گذشته تغییر کرده یا نه؟ اگر تغییر نکرده و همان معرفت سال گذشته را داشتیم، بدانیم که درجا زده‌ایم و کمالی در کار نبوده و قوه‌های ما به فعلیت نرسیده است.

کسی که برای او پول و طلا و مادیات ارزش دارد، برای اینکه سرمایه‌اش را دو برابر کند تلاش می‌کند. انسان اگر بداند که معرفت به این معنا سرمایه‌های او را اضافه می‌کند، قطعاً هیچ وقت حاضر نیست که فرصت‌ها را از دست دهد. این رشدی است که کسی نمی‌بیند؛ این فعلیت یافتن استعداد است که هیچ کسی آن را حس نمی‌کند اما روح و جان ما و مغز و فکر ما بالا و بالاتر می‌رود. ما داریم فرصت‌ها را از دست می‌دهیم؛ فرصت‌های کمال و ترقی را از دست می‌دهیم.

در بُعد عملی هم همین طور است. در بُعد عملی پرستش و عبادت، استعدادهای انسانی و قوه‌های انسانی را به فعلیت می‌رساند. این دو - یعنی کمال نظری و کمالی عملی - که در آیه شریفه به آن اشاره شده، یک وجه جامعی دارد که از آن به «قرب الی الله» تعبیر می‌کنند. قرب با کمال نظری و عملی حاصل می‌شود؛ قرب به خدا با این دو بال تحقق پیدا می‌کند. کمال نظری به تنهایی نه تنها موجب قرب نمی‌شود بلکه بُعد به همراه دارد. درست است که کمال عملی موجب بُعد نمی‌شود اما قرب آن میلیمتری است و پرواز و اوج برای انسان نمی‌آورد. این دو با هم انسان را به خدا نزدیک می‌کند. اگر انسانی می‌خواهد به کمال برسد، چاره‌ای جز پرستش ندارد. اگر حق الله الاکبر بر انسان عبادت است، این عبادت نه از این باب است که او نیاز به عبادت دارد، بلکه برای این است که استعدادها و قوه‌های انسانی انسان را شکوفا کند و به فعلیت برساند. گفتیم که قطعاً منظور از این استعدادها، استعدادهای حیوانی نیست. فلسفه و چرایی عبادت را تنها با این پاسخ می‌توان حل کرد که عبادت در واقع موجب شکوفا شدن و به فعلیت رسیدن استعدادها و قوه‌های انسانی است. ما باید برای این جهت عبادت کنیم و در کنار آن کمال نظری را هم تحصیل کنیم.

اینکه چرا این موجب کمال است، این خودش بحث مبسوط دارد؛ ولی تنها چیزی که انسان را به کمال می‌رساند و قوه‌های او را به فعلیت نزدیک می‌کند، همین است. اینجا یک نکته مهمی است که اساس کمال‌خواهی در بشر فطری است؛ یعنی همه انسان‌ها فطرتاً کمال را تعقیب می‌کنند. این نیاز به توضیح بیشتر دارد که إن شاء الله جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»